

# **Conceptual Model of Resilience Policies at the Structural Level of the Political System of the Islamic Republic of Iran in the Second Step of the Islamic Revolution Using Thematic Analysis Method**

1. Seyed Hasan Abousaleh\*: PhD of Public Policy, Member of the Faculty of Urmia University, Urmia, Iran. Email: sh.abousaleh@urmia.ac.ir (Corresponding Author)
2. Najaf Lakzaee: Professor, Department of Political Science, Baqir Al-olum University; a Member of the Political Studies Association, Qom, Iran
3. Seyed Mohammad Hosein Hashemian: Associate Professor and Faculty Member, Department of Cultural Policy, Baqir Al-olum University, Qom, Iran

## **ABSTRACT**

Political resilience is an emerging concept that has transitioned from the natural sciences and psychology into the literature of political science and policy studies. Political resilience refers to the continuation of capacity in the face of changes in the political system, understood and shaped through confronting a hostile cultural and political environment. It is distinct from concepts such as stability and resistance, as it focuses on optimizing adaptability and variability due to the political system's unstable and uncertain environment. This study addresses the question of how and with what policies the political system of the Islamic Republic of Iran in the second step of the Islamic Revolution becomes resilient against internal and external challenges and threats. The study uses a qualitative, normative method, aiming to describe and explain the current state of resilience and its dimensions using a descriptive-analytical approach based on the Three-Branch Model and thematic analysis. By assuming the political system as an organization, a network of themes related to policies is mapped. In response to the main research question, the resilience policies themes are extracted with an emphasis on active interactive relationships between the political system and society at the structural level. Each of the overarching and organizing themes is explained as part of designing the resilience model. The study's findings indicate that at the structural level of the political system, employing resilience mechanisms in public policy formulation, as well as focusing on excellence, monotheistic-centered, and wisdom-centered policies, along with deepening the understanding of leadership's role within the Islamic system, enhances the resilience of the political system of the Islamic Republic of Iran.

**Keywords:** *Political resilience, second step of the Islamic Revolution, public policy, Three-Branch Model, thematic analysis method*

How to cite: Abousaleh, S. H., Lakzaee, N., & Hashemian, S. M. H. (2024). Conceptual Model of Resilience Policies at the Structural Level of the Political System of the Islamic Republic of Iran in the Second Step of the Islamic Revolution Using Thematic Analysis Method. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(3), 186-205.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 04 September 2024  
Revise Date: 10 October 2024  
Accept Date: 27 October 2024  
Publish Date: 12 November 2024



پژوهش‌ها و تطبیق فقه،

حقوق و سیاست

## مدل مفهومی سیاست‌های تاب‌آوری سطح ساختاری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی با روش تحلیل مضمون

۱. سیدحسین ابوصالح: عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. پست الکترونیک: sh.abousaleh@urmia.ac.ir (نویسنده مسئول)

۲. نجف لک زایی: استاد تمام علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

۳. سید محمدحسین هاشمیان: دانشیار گروه مدیریت راهبردی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

### چکیده

تاب‌آوری سیاسی از مفاهیم نوظهوری است که از علوم طبیعی و روان‌شناسی وارد ادبیات علوم سیاسی و سیاستی شده است. تاب‌آوری سیاسی، تداوم ظرفیت در برابر تغییرات نظام سیاسی است که از رویارویی با یک محیط فرهنگی و سیاسی متخصص درک شده، معنا یافته است و مفهومی متمایز از پایداری و مقاومت بوده و به دلیل تمرکز بر وضعیت ناپایدار و عدم قطعیت محیط نظام سیاسی بر بهینه کردن توان تغییرپذیری و انطباق تمرکز دارد. این پژوهش به این پرسش پاسخ می‌دهد که چگونه و با چه سیاست‌هایی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی در برابر چالش‌ها و تهدیدهای محیط داخلی و بیرونی تاب‌آور می‌شود. این پژوهش به روش کیفی، هنجاری و به منظور درک وضعیت فعلی به تشریح و تبیین چگونگی مسأله تاب‌آوری و ابعاد آن، با رویکرد توصیفی - تحلیلی در قالب مدل سه‌شاخگی و با استفاده از تحلیل مضمون تدوین شده است. در این پژوهش با مفروض گرفتن نظام سیاسی به مثابه سازمان، شبکه مضامین در زمینه سیاست‌ها ترسیم شده است. در پاسخ به پرسش اصلی این پژوهش، مضامین سیاست‌های تاب‌آوری با تأکید بر مناسبات تعاملی فعال بین نظام سیاسی و جامعه، در بعد ساختاری استخراج شده و هر یک از مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده به عنوان بخشی از طراحی مدل تاب‌آوری توضیح داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در سطح ساختار نظام سیاسی، استخدام سازوکار تاب‌آوری در تدوین سیاست‌های عمومی و همچنین تعالی محوری و تدوین سیاست‌های توحیدمحور و حکمت‌محور و هم‌چنین تعمیق ادارک از جایگاه رهبری در نظام اسلامی، عامل تقویت تاب‌آوری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران است.

**واژگان کلیدی:** تاب‌آوری سیاسی گام دوم انقلاب اسلامی، سیاستگذاری عمومی، مدل سه‌شاخگی، روش تحلیل مضمون.

**نحوه استناددهی:** ابوصالح، سیدحسین، لک زایی، نجف. و هاشمیان، سید محمدحسین. (۱۴۰۳). مدل مفهومی سیاست‌های تاب‌آوری سطح ساختاری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی با روش تحلیل مضمون. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۳)، ۱۸۶-۲۰۵.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۴ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۹ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۶ آبان ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۲ آبان ۱۴۰۳



یکی از هدف‌های اصلی نظام‌های سیاسی متمایز ساختن خود از سایر واحدهای سیاسی و همچنین از محیط پیرامون است. به همین منظور، کارویژه اصلی آنها، ساخت، حفظ و دفاع از هویت خود است. نظام‌های سیاسی به عنوان یکی از موضوعات اصلی در مطالعات علوم سیاسی بوده است. در نظریه نهادگرایی سیاسی، نظام‌های سیاسی دارای استقلال، خودمختاری نهادی از تقاضاهای بیرونی بوده و دارای قدرت مشروع هستند (Parsons, 2021). مشروعیت حقوقی و سیاسی در محیط داخل نشان از ویژگی اقتدار بوده و در محیط بین‌الملل نیز، نشانگر استقلال از دیگر نظام‌های سیاسی است. این دو ویژگی اقتدار و استقلال برای نظام‌های سیاسی هم در محیط داخل و هم در محیط بیرونی، در گرو کسب و تعمیق قدرت بوده و خروجی آن نیز، حفظ نظام سیاسی است (Alam, 1997). این نوع نگاه به نظام سیاسی ریشه در نهادگرایی سیاسی دارد که به اعتقاد "ندا اسکاچ پل" دولت را امری مستقل از نیروهای اقتصادی و اجتماعی دانسته و آن را ناشی از تعامل محیط داخل با محیط بین‌المللی می‌داند (Hadian & Korouzhdeh, 2012). در مطالعات اخیر حکمرانی و بویژه در مطالعات با رویکرد نهادی نظام سیاسی، تدوین و اجرای مناسب سیاست‌های عمومی در گرو تقویت نظام سیاسی به عنوان تنها نهاد مشروع تدوین، توزیع و تنظیم قدرت سیاسی است (Dye, 2008). پذیرش این فرض، نیازمند درک رفتار معنادار میان قدرت سیاسی با محیط داخل نظام سیاسی (حتی قدرت اجتماعی) و محیط خارج از نظام سیاسی و همچنین فهم تغییرات این دو محیط است (Kantur & Eri-Say, 2012). درک نظام سیاسی از محیط بیرونی برای پیشبینی‌پذیری و اقدامات کارآمد ضروری بوده و نیاز به ثبات به قدری اهمیت دارد که این روند تا زمانی ادامه می‌یابد که نظام سیاسی تا حدی تاب‌آور شود که حتی اختلال عمیق آن را با بحران روبرو نکند (Berger & Luckmann, 1966). ماهیت و سطح مشروعیت نظام‌های سیاسی در عرصه حکمرانی سیاسی، به تدوین و اجرای سیاست‌هایی منجر می‌شود که زمینه‌ساز قوت‌ها و ضعف‌ها در محیط داخلی و همچنین ایجاد فرصت‌ها و چالش‌هایی در محیط خارجی نظام سیاسی هستند. به اعتقاد "ندا اسکاچ پل" توان خودمختاری نظام‌های سیاسی ثابت نبوده و این باعث وجود متغیرهای متعددی مانند موقعیت بین‌المللی نظام سیاسی، کارکردهای حفظ انسجام داخلی و منابع سازمانی در دسترس، برای تدوین و هدایت سیاستگذاری‌ها شده است. سیاستگذاری عمومی<sup>۲</sup> نیز به عنوان یک رشته علمی، ضمن مطالعه رفتار معطوف به هدف؛ شناسایی مسائل و معضلات در درون یک نظام حکومتی را بر عهده داشته و برای حل آن‌ها، دستورات سیاستی ارائه می‌کند. سیاستگذاری عمومی با پرچمداری مطالعه دولت به مثابه نظام سیاسی در عمل (Birkland, 2016)، در یک فرایند منسجم به شناسایی مسأله و مشکل عموم پرداخته و با توجه به دوگانه مقدرات - محذورات و همچنین اهداف نظام سیاسی برای حل معضلات، توصیه‌های سیاستی و برنامه اقدام تجویز می‌کند. بر اساس ادبیات مطالعات سیاستگذاری عمومی، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی ایران به عنوان سند بالادستی، چارچوب اصلی سیاست‌های عمومی جمهوری اسلامی ایران در افق پیش‌رو را مشخص کرده است و از تصمیم‌سازان، تصمیم‌گیران و سیاستگذاران انتظار می‌رود که تصمیمات بر اساس نقاط قوت و فرصت‌های پیش روی جمهوری اسلامی و حقایق روشن و قابل اندازه‌گیری اتخاذ شوند. مفهوم کانونی پژوهش حاضر، "تاب‌آوری"<sup>۳</sup> نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در مرحله جدیدی از حیات خود با عنوان گام دوم انقلاب اسلامی است. به بیانی دیگر هدف، اندیشیدن درباره این پرسش است که چه چیزی از نظر سیاسی در ادبیات

1. Teda skocpol

2. Public Policy

3. Resilience

تاب‌آوری مورد تهدید قرار دارد و چگونه در برابر تهدیدات، ویژگی "انطباق" و "تغییر" و یا پایایی خود را حفظ می‌کند. تاب‌آوری در طول سال‌های اخیر مفهوم کانونی سیاست‌گذاری‌های داخلی و بین‌المللی تبدیل شده و به عنوان کلید واژه حاکمیت سیاسی و یکی از مفاهیم سیاسی بحث برانگیز زمانه معاصر است (Chandler, 2014). دغدغه فکری اندیشمندان در مطالعات سیاسی و سیاستی جدید، بر این پرسش متمرکز شده است که آیا تاب‌آوری توان ارائه راه حل به مسائل حاکمیتی جدید را دارد؟ آیا تاب‌آوری در تدوین دستورکارهای حاکمیتی نقشی دارد؟ و مهم‌تر از همه این که آیا تفکر تاب‌آوری، بر چگونگی درک سیاست هم در سطح داخلی و هم در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد؟ "دیوید چندلر"<sup>۱</sup> به عنوان یکی از پیش‌گامان در مطالعات تاب‌آوری، معتقد است که تاب‌آوری به عنوان بن‌مایه سیاست‌گذاری به مسائل فزاینده سیاسی معنا داده و باعث می‌شود، حاکمیت ضمن درک تغییرات، به درک مناسبی از محیط دست یابد. "چندلر" ضمن ارائه نگرشی سیاسی و بسیار مهم، تاب‌آوری را مرحله جدیدی از دولت‌سازی می‌داند (Jonathan, 2013). در پژوهش‌های اخیر، تاب‌آوری به عنوان زمینه مطالعاتی میان‌رشته‌ای علوم انسانی و علوم طبیعی معرفی شده است. با این حال مفاهیم و نظریه‌های تاب‌آوری در پژوهش‌های سیاسی به آرامی مورد توجه مطالعات سیاسی و سیاستی قرار گرفته است (Duffield, 2013). تاب‌آوری می‌تواند به معنای ظرفیت یک نظام یا جامعه برای بازگشت به شکل از پیش تعیین‌شده باشد و یا ممکن است در برگیرنده فرآیند دگرگونی در رویارویی با تهدید باشد. در حال حاضر چهار سطح: ۱. فردی، ۲. سازمانی، ۳. اجتماعی و ۴. ملی در مطالعات تاب‌آوری شناسایی شده است. نظریه‌های تاب‌آوری در سطح فردی، ضمن تأکید بر حکمرانی نئولیبرالی، بر سازگاری فردی و مسئولیت افراد در قبال خود (Jonathan, 2013) تأکید کرده و در عین حال، مداخله حکومت برای توانمندسازی در سطح کلان را رد می‌کنند. در این سطح از مطالعات، به این مسأله پرداخته می‌شود که با کدام سازوکار می‌توان افراد و عموم جامعه را در قبال نتایج سیاست‌های دولت‌ها تاب‌آور کرد (McKeown & Glenn, 2018). در مقابل، "میشل فوکو"<sup>۲</sup> با انتقاد از عملکرد حکومت نئولیبرال، بر تاب‌آوری نظام سیاسی به عنوان رویکردی جدید در عرصه حکمرانی تأکید دارد (Coaffee et al., 2008). در مواجهه با رویکردهای غربی، این پژوهش نه تنها نظریه‌ها و مدل‌های غربی تاب‌آوری در زمینه‌های دیگر را دنبال نمی‌کند، بلکه معتقد است که مطالعه ادبیات سیاسی تاب‌آوری در مواجهه سیاست<sup>۳</sup> و قدرت، برای تنظیم انحراف از معیار نظام سیاسی، حفظ تعامل با جامعه و جلوگیری از فروپاشی آن نظام سیاسی، عمل کرده و به دنبال شناسایی تاب‌آوری و ارائه سازوکار منسجمی در اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی است.

در اندیشه مقام معظم رهبری نیز این امر مورد توجه واقع شده است. چنانچه فرموده‌اند: "... و به نظر من مهم‌تر از پدید آمدن نظام اسلامی، تاب‌آوری نظام اسلامی است. نظام اسلامی تاب‌آور در مقابل این دشمنی‌ها، این حملات، این ضربه‌های گوناگون... (Khamenei, 2022)". این پژوهش بین دو مفهوم تاب‌آوری (Resilience) و پایداری (Resistance) تفاوت قائل شده است. تاب‌آوری فقط راه دیگری برای سازگاری نیست، بلکه مستلزم تنش بین مفاهیم پایداری و مقاومت و ایده‌های تغییر، دگرگونی یا سازگاری است. از این رو تاب‌آوری خاصیت یک نظام بوده و از آن به ویژگی ظهور یابندگی<sup>۴</sup> نام برده شده و پایایی یا فروپاشی نظام، نتیجه و برون‌داد آن است (De Galizia et al.,

1. Adaptation

2. Changing

3. David Chandler

4. Michel Foucault

5. POLICY

<sup>۶</sup> منظور از ویژگی ظهور یابندگی عبارت است از یک ویژگی که وجود قطعی دارد و برای ظهور نیازمند اراده فرد یا سازمان و همچنین اقتضای محیطی است. این ویژگی در مقابل ویژگی ایجاد شونده قرار دارد. به عبارتی دیگر این ویژگی در ذات این مفهوم به صورت بالقوه وجود دارد.

2016). علت تأکید بر تفاوت‌های ذکر شده این مسأله است که پایداری مساوی با ثبات است در حالیکه نظام‌ها و محیط آن‌ها پیوسته در حال تغییر و دگرگونی هستند. از این رو تاب‌آوری به شکل مداوم و پویا به چالش‌های پایداری پاسخ می‌دهد.

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک نظام سیاسی توحید مبنای که مبنای، منابع و اهداف متفاوتی از سایر نظام‌های سیاسی دارد، الگوی خطی پیشرفت و توسعه اندیشه‌های غرب را در یک فرایند غیریت‌سازی رد می‌کند و یک مصداق عینی نقض‌کننده نظریه‌های مطالعات پدیده‌های انقلابی است که در پی ارائه راه‌کاری برای جلوگیری از تکرار حوادث مشابه است. در مبنای اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی انقلاب اسلامی ایران، جریان‌ی مستمر و عمومی است که با رد نظریه‌های جامعه‌شناختی درباره ترمیدور انقلاب‌ها و باور به این مهم که پادزهر زوال انقلاب در خود این انقلاب گذاشته شده است (Khamenei, 2006)، جمهوری اسلامی ایران توانسته است با حفظ ویژگی استمرار، گام اول خود را در چهل سال گذشته برداشته و با حفظ اصول خود، چشم‌انداز گام دوم را تدوین کند. این ویژگی مستمر، یکی از عناصر اصلی تاب‌آوری است که از آن به تداوم وجود نیز یاد شده است. بررسی مطالعات آسیب‌شناختی گام اول انقلاب اسلامی نشان می‌دهد که دشواری‌هایی مانند معضلات اقتصادی، فساد، افول شاخص‌های عدالت اجتماعی علیرغم وجود سیاست‌های توزیعی عادلانه، ایجاد شکاف بین جامعه و نظام سیاسی و عدم موفقیت نظام سیاسی در اقناع و انگیزش افکار عمومی در محیط داخل وجود دارد و همچنین معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان تهدیدی برای صلح بین‌المللی، ناکارآمد جلوه دادن مدل حکومتی جمهوری اسلامی ایران به عنوان حکومت دینی، معرفی خوانش جمهوری اسلامی ایران از آموزه‌های دینی به عنوان اسلام سیاسی که در مقابل خوانش‌های متداول در کشورهای اسلامی است، ناقض اصول پذیرفته شده نظام بین‌الملل در محیط خارجی است.

در این پژوهش، نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان شاکله اصلی شکل‌گیری تصمیمات و سیاست‌های عمومی مورد توجه قرار گرفته است. اگر پذیرفته شود که تدوین و اجرای سیاست‌ها در محیط و سازمان با ثبات نظام سیاسی به هدف می‌رسند، شرایط عدم قطعیت<sup>1</sup> در سیاست‌گذاری عمومی، نظام سیاسی را دچار بحران در مشروعیت و مقبولیت می‌کند. پژوهش حاضر، تلاش می‌کند این مفروض را تبیین نماید که تاب‌آوری نظام سیاسی به منزله رویکرد جدید حکمرانی در بسط شیوه‌های جدید حاکمیتی در پی ایجاد ظرفیت انطباقی پویا<sup>2</sup> برای نظام سیاسی جهت تعامل با محیط در جهت تاب‌آور نمودن جامعه عمل می‌نماید. انطباق، فرایند ایجاد هوشیاری در سیستم نسبت به عدم قطعیت‌ها و مقابله با آن‌ها از طریق فرایند مداوم آزمایش، پایش و یادگیری اجتماعی است (Sharifzadeh & Nagavi Hosseini, 2020). این بدان معناست که نظام سیاسی تاب‌آور، جامعه را در سطوح پایین‌تر تاب‌آور می‌سازد. چرا که این نظام‌های سیاسی هستند که روش‌ها و هنجارهای تاب‌آوری را از طریق نهادها و ابزارهای مناسب به جامعه القاء می‌کنند. بر این اساس، فرض محوری پژوهش حاضر، این است که نظام سیاسی به منزله یک سازمان بوده (Pour Ezzat & Hashemian, 2007) و تاب‌آوری در سطح سازمانی، دارای خصلتی سیاسی بوده و مبتنی بر روابط قدرت است. بر اساس استعاره راه، سازمان معرض تضادها، تعارض‌ها و تعامل قدرت است و مدیر، بازیگر و نماینده تعامل قدرت‌های برتری است که سازمان را به راه خود فرا می‌خوانند (Pour Ezzat & Hashemian, 2007).

1. Uncertainty

2. Dynamic adaptation

تمرکز این پژوهش با استخدام مفاهیم سطح سازمانی تاب‌آوری و با الگوپذیری از دو مفهوم "سازگاری" و "پیشگامی"، بر این مفروض است که نظام‌های سیاسی به مثابه یک سازمان، جهت بقا در مواجهه با ضعف‌ها و تهدیدات، علاوه بر هضم آنها، دچار ترمیدور<sup>۱</sup> (حرکت دوری انقلاب‌ها) نشده، بلکه علاوه بر سازگاری و یا ایجاد دگرگونی در محیطی که دارای ویژگی عدم قطعیت است، بدنبال اجرای کارکردهای اصلی خود و نیل به هدف اصلی خود باشد. سازمان‌ها همواره با وضعیت‌های عدم قطعیت روبرو هستند که عملکرد سازمان را دچار اختلال و در شرایط بحرانی وجود آن را تهدید می‌کند (Caralli et al., 2010). با در نظر گرفتن گفته‌های پیشین، مسأله این پژوهش تاب‌آوری نظام سیاسی در رویارویی با چالش‌های پیچیده محیط داخلی و بین‌الملل در گام دوم انقلاب اسلامی بوده و ارائه توصیه‌های سیاستی بر اساس شناسایی عوامل معطوف به تقویت تاب‌آوری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در محیط داخلی و خارجی مورد انتظار است.

### چارچوب نظری

چارچوب نظری و چارچوب مفهومی بسترهایی هستند که پژوهشگر موضوع مورد پژوهش را در قالب بسترهای مذکور مورد بررسی قرار می‌دهد. لذا چارچوب‌ها نقش معنادمی به موضوع مورد پژوهش را داشته و بر اساس آن یافته‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. پژوهش‌های کیفی در چارچوب‌های مفهومی و پژوهش‌های کمی در چارچوب‌های نظری، مجموعه‌ای از گزاره‌ها هستند که توانایی تبیین متغیر اصلی و وابسته را دارند، انجام می‌شوند.

این پژوهش ماهیتی کیفی دارد و ضمن پذیرش عدم قطعیت روندها و فرایندهای محیط درونی و بیرونی نظام سیاسی، عوامل تقویت تاب‌آوری را به شکل تجویزی ارائه داده و درصدد ارائه توصیه‌های سیاستی<sup>۲</sup> است. بررسی و تدوین سیاست‌های عمومی در قالب مدل‌ها و روش‌های گوناگونی انجام می‌شود (ملک محمدی، ۱۳۹۹: ۳۵). یکی از شناخته‌شده‌ترین مدل‌های سیاستگذاری عمومی، مراحل مدل مفهومی چرخه‌ای<sup>۳</sup> است. در چرخه این نوع از سیاستگذاری‌ها، محورهای ترتیبی ۱. تهیه دستور کار<sup>۴</sup>، ۲. تدوین سیاست<sup>۵</sup>، ۳. اجرای سیاست<sup>۶</sup>، ۴. ارزیابی سیاست<sup>۷</sup>، ۵. تغییر<sup>۸</sup> یا ادامه سیاست و ۶. پایان سیاست<sup>۹</sup> وجود دارند. تهیه دستور کار توسط ذی‌نفعان و یا سیاستگذاران، ریشه در شناخت مسأله دارد (Vahid, 2016). اندیشمندان سیاستگذاری عمومی معتقدند که شناسایی درست مسأله، مهم‌ترین بخش فرایند سیاستگذاری است. در تعریفی که "چارلز جونز" از مسأله عمومی ارائه داده است، سه شاخص نیاز انسانی، محرومیت و نارضایتی معرفی شده‌اند (Jones, 1970). برای هر یک از این شاخص‌ها می‌توان در جستجوی راه حل بود. در دهه ۹۰ میلادی با اوج گرفتن ایرادات به مدل چرخه‌ای (Sabatier, 1991)،

۱. (Thermidor) یکی از واژه‌های رایج در نظریه‌های انقلاب است که نخستین بار توسط کرین بریتون - یکی از نظریه‌پردازان انقلاب - در کتابی عنوان کالبدشکافی چهار انقلاب به کار برده شد. وی در کتاب کالبدشکافی چهار انقلاب پس از بررسی و مقایسه تحولات مهم انقلاب‌های فرانسه، روسیه، امریکا و انگلستان، این نظریه را تبیین می‌نماید. بر اساس این نظریه انقلاب‌ها در سیر تحولات خود سه مرحله را پشت سر خواهند گذاشت: در مرحله اول پس از سرنگونی نظام حاکم، نیروهای میانه‌رو بر مسند قدرت تکیه‌زده و حاکمیت را در دست می‌گیرند. در مرحله دوم پس از گذشت مدت کوتاهی از حکومت میانه‌روها به دلیل برآورده نکردن توقعات انقلابی مردم، این نیروها از مسند قدرت کنار زده شده و جای خود را به نیروهای تندرو می‌دهند. مرحله سوم که مرحله ترمیدور یا دوران نقاهت پس از انقلاب نامیده می‌شود، دوران بازگشت به ارزشهای رژیم پیشین و حذف تندروها از عرصه قدرت است.

2. Policy Advices

3. the stage - Sequential Model

4. Agenda Setting

5. Policy Formulation

6. Policy Implementation

7. Policy Evaluation

8. Policy Change

9. policy Termination

رویکردهای جدیدی در عرصه سیاستگذاری عمومی شکل گرفتند. این انتقادات شامل انتقادات فرایندی (عدم امکان تغییر و یا تقدم و تأخر در مراحل سیاستگذاری)، دستوری (انتقاد به رویکرد سیاستگذاری بالا به پائین و نادیده گرفتن تعاملات و تمرکز بر نقش دولت)، تدریج گرای (عدم توجه به نوآوری و تمرکز بر رویکرد خطی) و انتقادات عقلانیت گرای (عدم توجه به عدم قطعیت‌ها) بوده است (Eskandari, 2020). به منظور کاهش در خطاهای مدل چرخه‌ای، رویکردها و مدل‌های جدیدی توسعه یافته‌اند که در قالب رویکرد انطباقی، شبکه سیاستگذاری عمومی و اشاعه نوآوری معرفی شده‌اند. رویکرد انطباقی با توجه به نقش عدم قطعیت‌های محیطی، سعی دارد مراحل سیاستگذاری را به صورت همزمان انجام داده و در حین اجرای سیاست‌ها از طریق گردآوری اطلاعات، تدوین سیاست‌ها را تقویت نماید. انطباق یا سازگاری پویا زمانی شکل می‌گیرد که سازمان‌ها با محیط خود به مثابه موجود زنده تعامل پیدا می‌کنند (Johansson, 2021). در واقع بین سازمان و محیط تطابق شکل می‌گیرد. این میزان از سازگاری دارای طراحی پیشین نیست و یک پدیده در حال ظهور است که در جریان زمان، تکامل می‌یابد (Alvani & Danayi Fard, 2002). رویکرد انطباق پویا ریشه در نظریه تدریج‌گرایی در تصمیم‌گیری "لیندبلوم" دارد و سیاستگذار سعی می‌کند ضمن شناسایی بازیگران و شرایط محیط، ضمن کاستن از عدم قطعیت‌ها، بازخورد جدید از محیط گرفته و خود را با شرایط جدید انطباق دهد (McLain & Lee, 1996). ارتباط وثیق بین رویکرد انطباقی پویا و عدم قطعیت‌های محیطی توسط "تیسن و واکر" در ۵ سطح دسته بندی شده‌اند (Tison & Walker, 2020). از سویی عدم قطعیت بر اساس تدوین سیاست‌ها در دو بعد ارائه شده است: ۱. محل: جایی که عدم قطعیت خود را در درون چارچوب تدوین سیاست نشان می‌دهد. ۲. سطح: شدت عدم قطعیت که بین دانش کافی تا عدم آگاهی کافی در رفت و آمد است.

## تعریف مفاهیم کلیدی

### ۱. تاب‌آوری

اصطلاح تاب‌آوری از سال ۲۰۰۱ میلادی در ادبیات پژوهش‌ها پدیدار گشته و در طول دهه گذشته، به عنوان یک راهبرد عملیاتی آمادگی در پاسخ به بحران‌های امنیت ملی شناخته شده است. از زمان تشکیل وزارت امنیت داخلی ایالات متحده و انتشار راهبرد ملی<sup>۲</sup> آن برای امنیت داخلی در سال ۲۰۰۲ میلادی، این اصطلاح گسترش یافته است. این راهبرد به دلیل اصرار بر اینکه هیچ یک از تهدیدات پیش روی ساختارها به طور کامل قابل پیشگیری نیستند، قابل توجه است و به جای پیشگیری، مفهوم تاب‌آوری را به عنوان شرط پیش فرض واکنش اضطراری پیشنهاد می‌کند (U. S. Department for Homeland Security, 2007). واژه تاب‌آوری از کلمه لاتین "Resilio" به معنای جهش به سمت عقب اقتباس شده است (Batabyal, 1998). تاب‌آوری که در اکولوژی سیستم‌ها در دهه ۱۹۷۰ توسعه یافته است، به عنوان علم سیستم‌های انطباقی پیچیده<sup>۳</sup> و یک راهبرد عملیاتی مدیریت ریسک از آن زمان شکوفا شده و به تدریج به عنوان یک گفتمان غالب در علوم مدیریتی مطرح شده است. "برند" و "جکس"<sup>۴</sup> با مطالعه پژوهش‌های کلیدی ۳۵ سال اخیر درباره تاب‌آوری، آن را در سه گروه تعاریف توصیفی، ترکیبی و تجویزی طبقه‌بندی کرده‌اند (Brand & Jax, 2007). در نگرش‌های گفتمانی، تاب‌آوری، سیاست ذاتی ندارد، اما از نظر

<sup>1</sup> Lindbloom Andrew

. علیرغم تمام تلاش‌های ما، دستیابی به یک وضعیت کامل حفاظتی در مواجهه با احتمالات فاجعه‌بار متعدد و متنوعی که می‌تواند امنیت امروز آمریکا را به چالش بکشد،<sup>2</sup> ممکن نیست. با درک این موضوع که... ما نمی‌توانیم هر تهدید بالقوه‌ای را تصور یا آماده کنیم، باید سطح معینی از خطر را به عنوان یک شرایط دائمی درک کرده و بپذیریم (وزارت امنیت داخلی ایالات متحده، راهبرد ملی برای امنیت داخلی، ۲۰۰۷: ۲۵).

<sup>3</sup>. Complex Adabtation Systems

<sup>4</sup> Brand and Jax

سیاسی توسط بازیگران خاص برای کارکردهای خاص در زمینه‌های خاص بسیج می‌شود. اگر چه برخی از بازیگران در زمینه‌های خاصی قادر به انجام این کار هستند. تعامل بین پایداری و تغییر، که تفکر تاب‌آوری به آن مربوط می‌شود، به وضوح بر تمام عناصر سیاست و مفاهیم مختلف امر سیاسی تأثیر می‌گذارد (Brand & Jax, 2007). تاب‌آوری، مانند همه ابژه‌های گفتمانی<sup>۱</sup>، برای استفاده مجدد باز است و می‌تواند باز تولید شده و حتی بازنمایی داشته باشد.

با توجه به تعاریف مختلفی که در موج اول و دوم مطالعات از تاب‌آوری ارائه شده است، فهم مشترکی از تاب‌آوری وجود ندارد. برخی از پژوهش‌ها، ظرفیت سازماندهی مجدد نظام‌ها را برجسته کرده‌اند. در مقابل پژوهش‌های دیگری تاب‌آوری را به عنوان نتیجه رد کرده و بر ویژگی فرآیندی تأکید دارند. شاخصه مشترک در تعاریف ارائه شده، شاخصه برجسته "تغییر و انطباق" است. این نوع تعریف نشان می‌دهد که تاب‌آوری، پذیرش تغییر و در عین حال به حداقل رساندن اختلال در ماهیت و عملکرد یک نظام است. جذب اختلال و تهدید و توانایی سازگاری با تغییر در عین حفظ ساختار ذاتی نظام است که از آن به عنوان ویژگی تاب‌آوری یک نظام یاد می‌شود (Linkov et al., 2014). بررسی تعاریف مختلف نشان می‌دهد که مفهوم تاب‌آوری از استحکام سیستم‌ها برای مقاومت در برابر اختلالات با حفظ عملکرد قبلی، به سمت سازماندهی مجدد، تغییر پذیری و نوآوری تغییر جهت داده است. تعاریف مورد توجه این پژوهش، تعاریفی است که شاخص محیط را مدنظر قرار داده‌اند. نخستین تعریف، تعریفی است که "کوهن" از تاب‌آوری ارائه داده است. وی بر این باور است که تاب‌آوری تابعی از توسعه و تعامل با تغییرات محیطی در طول زمان است. از این رو می‌توان گفت که درجه درک تاب‌آوری به لحاظ منابع در دسترس، نظام فرهنگ‌ها و نوع نظام سیاسی و حتی نوع نظام باورها متفاوت است. در این پژوهش نیز نگرش مذکور توسعه یافته و شامل تعامل سازمان با محیط نیز می‌شود. چنانکه در نظر "کینگدان" بخش عمده و مهمی از فرایند سیاستگذاری با لحاظ کردن نقش محیط سیاسی است (Attarzadeh, 2021). به شکل کلی مفهوم تاب‌آوری یکی از مهمترین موضوعات تحقیقاتی در زمینه دستیابی به پایداری و بقاء است.

## ۲. تعریف تاب‌آوری سازمانی

در این پژوهش، نظام سیاسی به عنوان یک سازمان مورد مطالعه قرار گرفته است. تاب‌آوری سازمانی مفهومی نوظهور است که بسیار مورد توجه قرار گرفته است. چرا که سازمان‌های مختلف به دلیل وجود ساختارهای بسیار پیچیده و منعطف، همواره از سوی محیط داخل و خارج سازمان، در معرض اختلال و تهدید قرار دارند. جذب اختلالات و مدیریت تهدیدات، با لحاظ سازوکار تاب‌آوری شکل می‌گیرد (Chaffin & Scown, 2018). تاب‌آوری سازمانی راهبردی است که با استفاده از انعطاف‌پذیری، انطباق و سازگاری با عدم قطعیت‌های محیطی، به سازمان در کاهش فشارهای ناشی از تهدیدات پاسخ می‌دهد (Mallak, 1999). دو نگرش کلی در زمینه مفهوم تاب‌آوری سازمانی شکل گرفته است. در نگرش نخست، تاب‌آوری سازمانی به عنوان امکان بازگشت دوباره به وضعیت قبلی سازمان در نظر گرفته شده است؛ در حالیکه در نگرش دوم، توسعه قابلیت‌های جدید و توانایی ایجاد فرصت‌های جدید و فعالیت سازمان در محیط جدید است (Lengnick-Hall & Beck, 2011).

"دی فلوریو" با تفکیک دو ویژگی اصلی برای سازمان‌های تاب‌آور بر این اعتقاد است که تاب‌آوری به معنای فرایندگی و رشد یک نظام است (De Florio, 2017). تاب‌آوری سازمانی، ظرفیت مقاومت و بازیابی از اثرات حوادث، شوک‌ها و تهدیداتی است که بر یک سازمان یا یک نظام به لحاظ داخلی و خارجی تأثیر می‌گذارد (Annarelli & Nonino, 2016). در نظریه‌های سازمان، یک نظام، زمانی تاب‌آور است که

<sup>1</sup>. Objects of Discourse



کارکرد خود را قبل، حین و پس از وقوع تهدیدات و اختلالات تنظیم کرده و به وضعیت قبل از تهدید بازگردد (De Galizia et al., 2016). تاب‌آوری سازمانی، سازگاری و پایداری سازمان با محیط پیرامون را ارتقاء داده و به حفظ و بهبود عملکرد سازمان در شرایط تهدید کمک می‌کند (Weick & Sutcliffe, 2001). این نوع نگرش به مفهوم تاب‌آوری، سازمان را در یک محیط پیچیده تصور کرده و تاب‌آوری جامعه و سازمان را به یکدیگر وابسته می‌داند (Christopher & Rutherford, 2004). از این‌رو تسلط به محیط و یا به عبارتی دیگر، پایش محیطی عاملی برای تقویت تاب‌آوری سازمانی است.

### ۳. نظام سیاسی

تعریف و شناسایی نظام سیاسی در اندیشه متفکرین علوم اجتماعی و سیاسی، بر مبنای و منابعی استوار است که بنیان و شاکله اندیشه آنان را هویت می‌دهد. از این‌رو تعاریف متفاوتی از نظام سیاسی وجود دارد. اما تعریفی که می‌تواند محور پژوهش حاضر باشد، تعریفی است که آلموند ارائه داده و معتقد است که نظام سیاسی، نظامی از کنش و واکنش است که در جامعه مستقلى که از راه بکارگیری یا تهدید به استفاده کم و زیاد اجبار مشروع، کارویژه‌های یکپارچه شدن و انطباق را انجام می‌دهد (Alam, 1997). همه نظام‌ها و به شکل ویژه نظام سیاسی دارای دو ویژگی است. نخست اینکه نظام مجموعه‌ای از اجزاء است که با یکدیگر وابستگی متقابل دارند. دوم اینکه مرزهایی برای محیط نظام وجود دارد. نظام سیاسی گونه مشخصی از نظام اجتماعی است که با اخذ تصمیمات عمومی مقتدرانه سروکار دارد (Power Jr, 2017). با صرف نظر از نگاه سیستمی به نظام، نظام سیاسی در حال تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از دو محیط داخل و محیط بیرونی است. به مقتضی رویکرد این پژوهش، جا دارد به رویکرد اسلامی نسبت به نظام سیاسی نیز توجه شود. چنانچه مرحوم دکتر داود فیرونی در تبیین نظام سیاسی اسلامی معتقد است که این سیستم از عناصری همبسته تشکیل شده است که هر کدام به تنهایی بخشی از نظام سیاسی اسلام را تشکیل داده و نهادها و گروه‌های معینی را شامل می‌شود. و همچنین روابط متقابل ساختارهای درون نظام سیاسی کارویژه‌های آن را تشکیل می‌دهند (Firahi, 2012). نظام سیاسی شامل ساختارها و کارکردهایی است که جامعه را به اهداف خود می‌رساند (Malek Afzali, 2020). ساختارها شامل عناصر دولت، مرزهای دولت، شبکه روابط دولت و منابع دولت بوده و کارکردها نیز شامل جریان ارتباطات دولت، مرکز تصمیم‌گیری، بازخوردهای دولت و دامنه قدرت دولت است (Firahi, 2012).

### ۴. عدم قطعیت

عدم قطعیت دانش و اطلاعات محدود در مورد رخدادهای گذشته، حال و آینده است. "فانتویکز و راوتز" (۱۹۹۰) عدم قطعیت را حالتی از اطلاعات ناکافی می‌دانند که سه ویژگی غیر دقیق بودن، غیر قابل اعتماد بودن و یا جهل موضوعی را دارا است. اما "آسلت و رومانز" معتقدند که حتی در شرایطی که اطلاعات مناسب و کافی نیز وجود دارد، احتمال عدم قطعیت وجود دارد. "نایت" از جمله کسانی است که در دوران مدرن بین ریسک و عدم قطعیت تفاوت قائل شده است. از نظر وی ریسک، بخش قابل محاسبه و قابل کنترلی است که غیر قابل ادراک و فهم است. اما عدم قطعیت شامل غیر قابل محاسبه و غیر قابل کنترل خواهد بود. عدم قطعیت ناشی از حالت آینده جهان و ناشی از رفتار راهبردی سایر نقش‌آفرینان است. "دونالد رامسفلد" درباره سطوح عدم قطعیت می‌گوید: همانگونه که می‌دانیم، دانسته‌هایی شناخته‌شده وجود دارند و این چیزهایی هستند که ما از دانستن آنها آگاه هستیم. البته می‌دانیم که نادانسته‌های شناخته‌شده‌ای نیز وجود دارند. یعنی می‌دانیم چیزهایی وجود دارند که ما از آنها بی‌اطلاع هستیم؛ اما نادانسته‌های ناشناخته نیز وجود دارند. یعنی چیزهایی که نمی‌دانیم از وجودشان بی‌اطلاع

هستیم... این مورد آخر از همه دشوارتر است (Rumsfeld). "دیولف" بعد سومی به ابعاد مذکور اضافه کرده است و از آن به ابهام<sup>۱</sup> یاد کرده است. ابهام یعنی حضور همزمان چندین چارچوب دانش که هرکدام به یک میزان معتبر می‌باشند.

### روش شناسی پژوهش

این پژوهش به روش کیفی، هنجاری و به منظور شناسایی تهدیدات تاب‌آوری نظام سیاسی و با رویکرد توصیفی - اکتشافی تدوین شده است. جهت تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شده است. برای تبیین چستی از تحلیل مضمون و برای تبیین چگونگی از شبکه مضمون‌ها استفاده شده است. از این روش به شکل مناسب برای تدوین و تحلیل شبکه مضمون‌ها استفاده می‌شود. شبکه‌های مضمون‌ها، آرایه‌هایی دارای انعطافی هستند که ارتباط داده‌ها را نشان می‌دهند. از نظر بویاتریس، تحلیل مضمون فقط یک روش کیفی نیست، بلکه فرایندی است که در اکثر روش‌های کیفی به کار می‌رود. از نظر عملکرد نیز، روشی برای شناخت، تحلیل و تعیین الگوها در داده‌های کیفی به شمار می‌رود. یک مضمون الگویی است که به توصیف و سازماندهی مشاهدات و یا به تفسیر جنبه‌هایی از پدیده مورد بررسی می‌پردازد. مضمون، یک ویژگی تکراری و متمایز در متن است که به نظر پژوهشگر نشان‌دهنده درک و تجربه خاصی در رابطه با پرسش‌های پژوهش است. از مهم‌ترین و حساس‌ترین کارها در تحقیقات کیفی، شناخت مضمون می‌باشد و در واقع قلب تحلیل مضمون به شمار می‌آید و عواملی مانند: شعور متعارف، ارزش‌های پژوهشگر، جهت‌گیری‌ها، سؤالات تحقیق، تجربه محقق در نحوه شناخت مضامین اهمیت دارد. در روش تحلیل مضمون، تحلیل یافته‌ها به صورت تکراری مورد بازنگری قرار گرفته و تا شناسایی مضمون و یا مضامین اصلی ادامه پیدا می‌کند.

### فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور ارائه تحلیلی منسجم، ابتدا کلیدهای اولیه بطور مستقیم از متن مصاحبه‌ها استخراج و سپس در قالب مضمون‌های باز اولیه طبقه‌بندی شده‌اند. ماهیت مضمون‌ها در دو نوع توصیفی و تفسیری شناسایی شده و مضمون‌های توصیفی نقل قول مستقیم از متون استخراجی و برخی دیگر نیز مضمون‌های تفسیر شده هستند. از نظر روش شناخت، سعی شده است تا مضمون‌های تکراری حذف شده و به مضمون‌های کلیدی و مکتون توجه شود. در میان متون استخراج شده، مقایسه و هم‌سنجی انجام شده و شباهت‌ها و تفاوت‌ها برجسته شده است. شناسایی و چینش مضمون‌ها به صورت دستی و با استفاده از نرم افزار آفیس انجام شده است. برای شناسایی و طبقه‌بندی مضمون‌ها بر اساس پرسش‌های فرعی پژوهش و همچنین در راستای مدل ارائه شده (مدل سه‌شاخگی) انجام شده است. کلیدهای اولیه استخراج شده با شاخص‌های چالش‌های سه‌شاخگی همسو شده‌اند.

### نمای مفهومی تاب‌آوری نظام سیاسی به مثابه سازمان

تاب‌آوری نظام سیاسی به معنای تضمین تداوم نظام سیاسی است. این تضمین، توانایی جامعه سیاسی برای رویارویی با شوک‌ها و اختلالاتی مانند شروع فرایند حذف رژیم سیاسی است. در ادبیات تاب‌آوری، تغییر و انطباق دو مفهوم کلیدی هستند که نظام سیاسی را از جهت‌گیری بقاء، به سمت تعالی آن سوق می‌دهند. در واقع هر نظام سیاسی که راهبرد بقاء را انتخاب کرده است، خصلت اثرپذیری دارد و در برابر محیط بیرونی به دنبال حفظ حیات و سپس حفظ کارکردهای خود است و هیچ تأثیری در محیط درونی و بیرونی نخواهد داشت. سازمان بقاء محور، سطح پائین اثرگذاری در محیط درونی و محیط بیرونی را دارد و اقدامات آن در راستای حفظ خود است. اما سازمان‌هایی که از راهبرد بقاء گذر کرده‌اند، به دنبال تاب‌آوری نظام سیاسی و تلاش برای تعالی هستند که از آن به عنوان سازمان‌های رشد محور یاد می‌شود. سیاست‌های

<sup>1</sup>. Ambiguity

تاب‌آوری به این معنی است که نظام سیاسی به مثابه سازمان تا چه حد توان رویارویی با تغییرات محیطی را دارد و مهم‌تر اینکه در هنگام بروز بحران‌ها آیا توان رشد و اثرگذاری در محیط را دارد یا خیر. اثرگذاری به این معنی است که نظام سیاسی در ارائه بینش و روش خود چه مقدار توان استفاده از فرصت‌ها جهت اثرگذاری بر محیط را دارد. سازمان‌هایی که به دنبال حل مسائل هستند به دلیل رویارویی با مسائل مختلف، منابع لازم را صرف حل مسائل می‌نمایند. این در حالی است که سازمان‌های تعالی‌خواه به دلیل استفاده از فرصت موجود در پی افزایش قدرت هستند. لذا سازمان‌های بقاء محور به دنبال حفظ نظام سیاسی هستند، اما نظام‌های سیاسی تعالی محور از مرحله بقاء گذشته و به دنبال حفظ و رشد توامان هستند.

### مضامین سیاستی تاب‌آوری سطح ساختار نظام سیاسی

مضامین این بخش مبتنی بر جایگاه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک واحد سیاسی متناظر با دیگر واحدهای سیاسی در محیط عمومی بین‌المللی است. از این رو مضامین سیاستی استخراج شده دارای عمومیت بوده و کلیت نظام سیاسی را مدنظر قرار داده است. در جدول ذیل مضمون‌های به دست آمده ارائه شده است. مضمون‌های به دست آمده در قالب ترتیبی مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر و سپس به توضیح مضامین فراگیر پرداخته شده است.

#### جدول ۱. مضامین سیاستی سطح ساختار نظام سیاسی

مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
تغییرات محیطی	پایش تغییرات محیطی	استخدام راهبرد تاب‌آوری
محیط آشوب زده		
عدم قطعیت محیط		
جلوگیری از تحریف	بهبود سیاست حافظه	
ثبت هدفمند رویدادها		
روایت صحیح از حوادث		
کارآمدی	توانمند سازی	
افزایش قابلیت‌های نرم		
رشد متناسب بخشی		
توجه به نظر سنجی	پیش بینی پذیری	
اهمیت آینده پژوهی		
تجربه زیسته		
تناسب رفتار سیاسی با منافع ملی	انطباق پذیری محافظتی	
درک درست از تهدیدات		
همگرایی		
توجه به ظرفیت تغییر		
استمرار تکانه‌های محیطی	کاهش اثر پذیری	
جذب شوک‌های جدید		
کشف خطاها و اصلاح	یادگیری	
افزایش دانش محیطی		
قابلیت آموزش سازمان		
نیاز سنجی از محیط		
نگرش آرمانی به حل مسائل	حکمی سازی سیاستگذاری	تعالی محوری حل مسائل

فضیلت محوری فرایند سیاست		
استخدام گزاره‌های فلسفی		
تعالی محوری بجای تعادل	مبنای توحیدی استمرار نظام	
سیاست در راستای توحید		
سعادت هدف انسان		
هویت متمایز دینی		
مبادی متمایز دینی		
سیاست پیرو شریعت		
هدایتگری رهبری	تبعیت از رهبری	اهمیت رهبری
شایستگی رهبری		
مشروعیت رهبری		
استقرار حکومت		
حفظ وفاق ملی		
تزریق امید به جامعه	تقویت رهبری آینده نگر	
اتکا به ویژگی تدبیر		
فرهنگ سازی		
تمایز رهبر و مدیر		

## استخدام راهبرد تاب‌آوری

۱. **پایش تغییرات محیطی** - از جمله مسائل مهم در رابطه یک نظام سیاسی و محیط، ادراک و پذیرش تغییرات محیطی است. تغییرات محیطی پیرامون داخلی و بیرونی نظام سیاسی، اثربخشی بسیاری از تصمیمات را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در محیط‌هایی که دارای پیچیدگی هستند، شناخت عدم قطعیت‌ها می‌تواند میزان اثرات محیطی را کنترل کند. اگر تغییرات در فرصت پنجره سیاستی ادارک نشده و شناسائی نشوند، می‌توانند به تهدید تبدیل شوند. تغییرات محیطی داخل در دو بعد تغییرات اجتماعی و سیاسی قابل بررسی است. تقاضای تغییر ارزش‌ها و مناسبات اجتماعی بر اساس القای حس ناکارآمدی نظام در بازتعریف مؤلفه‌های اجتماعی و همچنین ضعف در ابزارهای حفظ انسجام اجتماعی است. باید توجه کرد که هم محیط داخلی نظام سیاسی و هم محیط خارجی آن، به لحاظ بروز متغیرهای بحران‌زا توانسته اند بحران‌هایی را برای نظام سیاسی ایجاد نمایند. حوادث سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ در به چالش کشیدن نظام سیاسی در ابعاد مختلفی تأثیر داشته و همسو با فشارهای خارجی محک جدی برای سنجش تاب‌آوری نظام سیاسی بوده است. پایش محیط کلان سیاسی، باعث کنترل منابع و مبانی شروع بحران‌ها و باعث سنجش فرایند آن‌ها به منظور اتخاذ راهبرد کوتاه مدت یا بلند مدت در قبال آن‌ها شود.

۲. **بهبود سیاست حافظه** - حفظ حافظه نهادی و یا جلوگیری از تخلیه حافظه نهادی در قالب سیاست حافظه، کاربرد دارد. سیاست حافظه به معنای تجمیع روایت رویدادها و سامان‌دهی آن توسط نظام سیاسی است. با گسترش و تأثیر انواع رسانه‌ها، علیرغم ثبت پدیده‌ها در حافظه تاریخ، تحریف اندیشه و رویدادها نقش پر رنگی در تغییر افکار عمومی دارد. همچنانکه رهبر انقلاب اسلامی، با تعبیر جابجایی حق و باطل (جای جلا و شهید عوض نشود) به اهمیت حفظ روایت درست و ثبت رویدادها در حافظه نهادی اشاره کرده‌اند. سیاست قطعی دشمن، تحریف حقایق در مورد تاریخ سیاسی گذشته و رویدادهای حال حاضر و به فرموده رهبری، تطهیر نظام پهلوی است. بهره‌مندی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران از تجربه بحران‌های متعدد در میان‌مدت تا بلندمدت، سبب شده است تا نظام حکمرانی بتواند زنجیره کاملی از ماهیت،

روش و اهداف تهدیدات علیه خود را به دست آورد. هر چند که تلاش مخالفین جمهوری اسلامی، در مرحله اول، ایجاد گسست بین مردم و نظام سیاسی می‌باشد، اما این راهبرد مقدمه‌ای برای از بین رفتن آن است. مهمترین اقدام در این بعد، ساخت حافظه نهادی برای جامعه و نظام سیاسی است. حافظه نهادی از جمله منابع مهم ایجاد آگاهی برای تاب‌آوری هم در سطح جامعه و هم در سطح نظام سیاسی است. رویدادهای بحرانی مکرر، به نظام سیاسی این امکان را می‌دهد تا ظرفیت‌های خود را برای آماده‌سازی برای یک رویداد بحرانی مشابه، تطبیق دهند. تجربه بسیار غنی جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با نظام سلطه، اندوخته بسیار معتبری است که با تبیین درست و بازنمایی و بازخوانی ماهیت، روش و هدف دشمن، زمینه‌ساز حافظه نهادی برای نسل حاضر و نسل آینده خواهد بود. راهبرد تخلیه نهادی، تهدید جدی در جلوگیری از گسترش اهداف نظام سیاسی و مانعی جدی برای ایجاد گسست بین جامعه و نظام سیاسی و همچنین تهی کردن نظام سیاسی از حافظه نهادی خود است. از این رو لازم است به منظور حفظ حافظه ملی، سیاست‌های حافظه بر اساس گفتمان رسمی جمهوری اسلامی که مبتنی بر حفظ امانت و روایت صحیح است، مورد اهتمام قرار گیرند.

**۳. توانمند سازی** - توانمند سازی و تقویت یک نظام سیاسی از جمله راهبردهای افزایش اقتدار ملی و توسعه سطح تاب‌آوری نظام سیاسی است. هر چند که ابعاد مختلفی برای افزایش اقتدار نظام سیاسی وجود دارد، اما بعد سیاسی اقتدار تعیین‌کنندگی و ویژگی در این بین دارد. بعد سیاسی هم به تعاملات قدرت درون نظامی و هم به تعاملات نظام سیاسی با نهادهای سیاسی توجه دارد. در واقع بعد سیاسی اقتدار به معنای منبع اشاعه مشروعیت و سطح توزیع قدرت در درون نظام سیاسی مرتبط است. در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی نیز مؤلفه مشارکت سیاسی عاملی برای افزایش اقتدار ملی است. افزایش اقتدار ملی به توانمندسازی نظام سیاسی منجر می‌شود.

**۴. پیش‌بینی پذیری** - یکی از شاخص‌های ارزیابی محیطی، قابلیت پیش‌بینی پذیری است. پیش‌بینی پذیری به این معناست که آیا تغییرات محیطی را می‌توان پیش‌بینی کرد. دولت‌ها نیاز به تقویت ظرفیت خود برای آینده‌اندیشی و آینده‌نگری را دارند. این شناخت مستلزم بکارگیری آینده‌نگاری در فرآیندهای سیاست‌گذاری است که دولت‌ها را قادر می‌سازد تا چالش‌های آینده را بهتر پیش‌بینی کنند و به آن‌ها پاسخ دهند. در محیط‌های پیچیده روابط و رویدادها بدلیل ماهیت سیال قابلیت پیش‌بینی کمی دارند. می‌توان گفت که روند محیط نظام سیاسی در ایران از ویژگی تکاملی به سمت آرمانی است. در محیط آرمانی پیش‌بینی پذیری و تغییر پذیری وجود دارد اما در محیط تکاملی هیچ از موارد ذکر شده وجود ندارد. همچنین در محیط تکاملی، نیاز به تکرار و تجربه سیاست‌های وجود دارد، اما در محیط آرمانی پیش‌بینی و ابتکار عمل وجود دارد. قابلیت پیش‌بینی برای نظام سیاسی باید تناسب در شناسایی فرصت و هم تهدید داشته باشد. چرا که اولویت دادن به تهدیدها عاملی برای بدبینی و عدم تصمیم‌گیری مناسب خواهد شد.

**۵. انطباق پذیری محافظتی** - انطباق فرایند سازگاری با ویژگی‌های ناپایدار و پیچیده محیطی برای دسترسی به اهداف است. انطباق زمانی شکل می‌گیرد که محیط برای بازیگران آسیب‌زا می‌باشد. سازوکار انطباق باعث بازگشت یک نظام سیاسی به وضعیت قبلی و یا پذیرش وضعیت جدید را دارد. در نظام‌هایی که توان بازیابی بالایی وجود دارد، بخش‌های مختلف یاد می‌گیرند که چگونه برای دسترسی اهداف با محیط تعامل کنند. لذا صرف پایش و شناخت محیط برای تعامل کافی نیست و باید انطباق صورت گیرد. با توجه به پیچیدگی محیط و تغییر الگوهای رفتاری در محیط جمهوری اسلامی ایران، ضرورت دارد اقدامات از رویکرد رضایت بخش به سمت رویکرد انطباق متمایل شود. در رویکرد رضایت بخش، نحوه تغییر در تصمیم و سیاست، با توجه به فشارها و شرایط محیط انجام می‌شود. از سوئی به دلیل عدم شناخت محیط یا به رسمیت نشناختن آن، رویکرد غیر سازشی اتخاذ می‌شود که تأثیر محیط را نادیده می‌گیرد. هر چه نظام‌های سیاسی قدرت و نفوذ

پایینی داشته باشند، به سمت رویکرد رضایت بخش حرکت می‌نمایند و هر چه ظرفیت نظام سیاسی دارای افزونگی باشد، به سمت انطباق محافظتی متمایل می‌شوند. به دلیل اینکه کشورهای همسایه منطق سلسله مراتبی نظام بین‌الملل را پذیرفته‌اند و اقدامات منفعلانه در برابر غرب دارند، برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورداری از ظرفیت قدرت و نفوذ مناسب اتخاذ رویکرد انطباق محافظتی و فعال ضروری به نظر می‌رسد.

۶. کاهش اثرپذیری - نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران همواره متأثر از راهبرد دوگانه غرب در سیاست‌های اعلامی و سیاست‌های اقدامی بوده است. این سیاست‌ها در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی وجود داشته و اعمال این سیاست‌ها منجر به تغییرات سیاستی و رفتاری اجباری دولت‌های منطقه شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز مانند دیگر کشورهای منطقه متأثر از این سیاست‌ها بوده است. در سال‌های متمادین تلاش جمهوری اسلامی معطوف به کنترل این تأثیرات و در مرحل بعد کنترل عوامل محیطی بوده است.

۷. یادگیری - یادگیری سازمانی بخشی از فرایند سیاست گذاری عمومی است که در آن تصمیم‌گیرندگان تلاش می‌کنند بدانند چرا برخی از سیاست‌ها ممکن است موفق شوند، در حالی که دیگران شکست خورده‌اند. اگر سیاست‌ها به عنوان یک نتیجه از یادگیری تغییر کنند، انگیزه این تغییر از طریق فرایند رسمی سیاست‌های دولت‌ها آغاز می‌شود. از سوی دیگر، یادگیری سیاسی فعالیتی است که سیاست‌گذاران به عنوان واکنش به تغییرات در محیط‌های سیاست خارجی انجام می‌دهند. همان‌گونه که محیط زیست تغییر می‌کند، اگر سیاست‌گذاران می‌خواهند سیاست‌هایشان شکست نخورد باید با جامعه سازگار شوند.

### تعالی محوری حل مسائل

مسأله محوری و تدوین سیاست‌ها بر اساس شناخت درست مسأله موضوع بنیادین علوم سیاستی است. در سیاستگذاری عمومی بجای تمرکز بر حفظ وضعیت موجود، بر فاصله بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب تأکید می‌شود. برخلاف سازمان‌هایی که ساختار محور هستند و محیط را ایستا و قابل پیش بینی می‌دانند و راهبرد بقاء در محیط ناپایدار پیچیده را دنبال می‌کنند، سازمان‌هایی که راهبرد مسأله محوری دارند، ضمن تأکید بر ماهیت منعطف محیط بر پویائی و انعطاف سازمان متمرکز هستند. مبنای شکل‌گیری نظام مسائل در همه نظام‌های سیاسی مبتنی بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و به طور اعم مبتنی بر فلسفه سیاسی حاکم بر نظام سیاسی است. از این رو ماهیت و جهت نظام مسائل نظام‌های دینی از دیگر نظام‌ها متفاوت بوده و سلسله مراتب متفاوتی در شناسائی مسائل وجود دارد. ماهیت دینی جمهوری اسلامی ایران، این ضرورت را نشان می‌دهد تا چارچوب مبتنی بر هستی‌شناسی و انسان‌شناسی توحیدی را مبنای شناسائی مسائل قرار داده و تدوین سیاست‌ها برای حل مسائل در راستای ایصال به مطلوب در اندیشه دینی باشد.

۱. حکمی سازی سیاستگذاری - برخلاف نگاه تقلیل‌گرایانه به امر دینی و فروکاستن آن به یک نهاد پاسخگو به نیاز شخصی اعتقادی، در رویکرد کلان‌نگر، نظامات دینی به عنوان شاکله اصلی ترسیم مناسبات اجتماعی و سیاسی تعریف شده است. از این رو تصمیم‌گیری و تدوین سیاست‌های عمومی در ارتباط با گسترش معارف توحیدی، بستری برای اجرای احکام متعالی دین و ارائه راهکارهایی برای حل مسائل در جهت سعادت انسان است. اگر دین به عنوان یک فرانظامی که چرایی، مبنا و چارچوب اصلی تدوین سیاست‌ها را مشخص می‌نماید، ساختار زیر نظام‌ها نیز باید در تبعیت از آن شکل گرفته و در هماهنگی با کلیت فرانظام باشد.

۲. مبنای توحیدی استمرار نظام - در اندیشه دینی، نظام سیاسی به عنوان ابزاری برای تحقق اراده الهی در حوزه تشریح و تبدیل شریعت به سیاست و قانون است. ابلاغ، تبیین و اجرای احکام دینی در حوزه اجتماعی بدون تشکیل نظام منسجم امکان‌پذیر نخواهد بود. محور اساسی تشکیل نظام سیاسی نیز توحید محوری است. خداباوری، ایمان و توکل نقطه مقابل انسان محوری است که اساس تفکر غیرالهی است و تفاوت در بعد اعتقادی به تفاوت در جهت‌گیری سیاست‌ها منجر می‌شود. توجه به توحید و انجام تمام کارهای فردی و اجتماعی و تصمیمات سیاسی به منظور کمال و سعادت جامعه و انسان و رسیدن به حیات طیبه می‌باشد. از این رو لزوم استمرار نظام سیاسی دینی به منظور تحقق زمینه‌ها برای گسترش توحید و در نهایت زیست مؤمنانه ضرورت داشته و تلاش سیاست‌گذاران در تدوین حتی سیاست‌های دنیوی نیز باید با هدف غائی کمال مطلوب انسان موحد انجام شود.

### اهمیت رهبری

بدون تردید یکی از ارکان سازمان در جهت رشد سازمان‌ها نقش رهبری در سازمان است. در برخی از نظریه‌های رهبری در سازمان، رهبری نقش مدیریتی نیست، بلکه رهبری روشی برای ارتباط اجزای سازمان است که در طی آن یک نفر تلاش می‌کند تا دیگران را به هدف مشخصی برساند. رهبری توانائی نفوذ و کنترل دیگران به منظور دستیابی به هدف است. با لحاظ نظام سیاسی به مثابه سازمان، رهبری در نظام سیاسی به معنای هدایت نظام سیاسی به سمت مقاصد تعریف شده نظام سیاسی است.

این وظیفه در نگاه حداقلی توانائی حفظ و بقاء نظام سیاسی و در مطلوب‌ترین حالت رشد نظام سیاسی علیرغم تهدیدهای محیط داخلی و محیط خارجی نظام سیاسی است. رهبری از جمله بدیهیات همه مجموعه‌هایی است که بر اساس هدفی شکل گرفته و در گستره فلسفه سیاسی از ضرورت رهبری تا سیاست‌گذاری عمومی به منظور تبیین هنجاری بحث شده است. به موازات ضرورت رهبری در اندیشه سیاسی شیعه در قالب نظام امامت، در رویکرد سازمانی رهبری نوع خاصی از مدیریت سازمان است که از مراتب غیر سلسله مراتبی و متصلب سازمان خارج و در حیطه شناختی و انگیزشی اهمیت پیدا می‌کند. در اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری جایگاهی است که وظیفه حفظ نظام اسلامی، بازنمایی ارزش‌های اسلامی، هدایت به سمت اهداف انقلاب اسلامی، جلوگیری از انحراف، مقابله با دشمنی‌ها، هم‌افزائی نیروهای انقلاب و دفاع از حقوق مردم و مواردی از این دست را بر عهده دارد.

۱. پیروی از رهبری - تبعیت از رهبری در جمهوری اسلامی ایران، ریشه در مشروعیت ولایت فقیه در دوران غیبت و لزوم وجود حاکم برای تشکیل نظام سیاسی به منظور رشد و تعالی همه جانبه افراد و جامعه و در نهایت تبعیت از اراده الهی و نیل به سعادت دارد. رهبری به عنوان نماد نظام سیاسی نقش هدایت‌گری و انسجام‌بخشی به اجزای نظام سیاسی و حفظ وفاق در جامعه اسلامی را دارد. همانگونه که در کلام امام باقر علیه‌السلام پیروی از امام جامعه وظیفه عقلی و دینی به شمار می‌رود.

نقش رهبری در ترسیم نقشه راه، انسجام‌بخشی و تزریق امید به جامعه و همچنین حمایت از نهادهای حاکمیتی فرایند تاب‌آوری نظام سیاسی در مقابل تهدیدات را ارتقاء می‌دهد و از اینرو تبعیت از رهبری اقدام مؤثری در تاب‌آوری نظام سیاسی است.

۲. تقویت نهاد رهبری آینده‌نگر - در ادبیات سیاست‌گذاری عمومی، عوامل مختلفی چه در داخل نظام سیاسی (در معنای موسع و دولت در معنای مضیق) و هم خارج از آن در فرایند سیاست‌گذاری دخیل هستند. این عوامل شامل نهادهای رسمی و غیررسمی و همچنین گروه‌های ذی‌نفع و گروه‌های فشار نیز می‌شود. مفهوم رهبری در علوم سیاسی به معنای عاملی برای هدایت‌گری و یا تجمیع منافع گروه‌های مذکور بوده است. لذا رهبری به معنای عاملی است که نقش هدایت‌گری در جهت دهی سیاست‌ها را دارد و یا به عنوان عاملی که نقش همگرایی در

تجمع منافع گروه‌های متکثر را به منظور تدوین سیاست‌ها دارد. در اندیشه سیاسی شیعه، وضعیت آینده از مهم‌ترین عناصر ترسیم وضعیت مطلوب است. از نگاه این رویکرد آینده‌نگر، تقویت نهاد رهبری و یا رهبریت در نظام سیاسی، در قالب تبعیت و ولایت‌پذیری دارد. هر اندازه میزان تبعیت از رهبر (جایگاه ولی فقیه) افزایش یابد، به همان میزان کارکرد اجتماعی و سیاسی رهبری توسعه می‌یابد. از این رو جایگاه رهبری در نظام سیاسی با رویکرد مردم‌سالاری دینی، جایگاه تدبیر و جهت دهی سیاست‌ها است.



شکل ۱. شبکه مضامین سیاستی تاب آوری سطح ساختار نظام سیاسی

### نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش شده است تا ضمن تبیین مفهوم تاب آوری، سیاست‌های تاب آوری نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در قالب مدل سه‌شاخگی ترسیم شوند. به لحاظ روش تحلیل، مضامین استخراج و در سه دسته مضمون‌های پایه‌ای، سازمان‌دهنده و فراگیر تنظیم شده‌اند. نوع مصاحبه‌های انجام شده به صورت هدفمند و منطبق با چارچوب مدل سه‌شاخگی و همچنین بصورت باز بوده است که داده‌های



مصاحبه‌های باز نیز در مرحله پالایش و طبقه‌بندی در همان چارچوب جایابی شده‌اند. تاب‌آوری سیاسی به معنای حفظ اقتدار سیاسی در قالب نظام سیاسی است که دارای این قابلیت است که با ایجاد تغییراتی در نحوه اعمال قدرت سیاسی در جامعه کنشگری نهادهای قدرت اجتماعی را به رسمیت شناخته و ضمن جذب تقاضاها و همسو نمودن آن‌ها با اهداف نظام سیاسی، افق روشنی برای حفظ تعادل بین قدرت سیاسی و قدرت اجتماعی ارائه می‌دهد. آنچه که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در افق پیش‌رو دچار چالش ساختاری می‌کند، اتخاذ سیاست‌هایی است که تلاش دارد در راستای پایداری نظام سیاسی و کارآمدی آن باشد. اما باید توجه داشت که تدوین سیاست‌ها با معیار پایداری، نظام سیاسی را در وضعیتی انفعالی نسبت به تغییرات محیطی قرار می‌دهد. چرا که پایداری نظام سیاسی دارای درجه وابستگی به تغییرات بوده و نمی‌تواند نسبت به عدم قطعیت‌های محیطی پاسخ ابتکاری ارائه دهد. در واقع تجربه سیاسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که دو مؤلفه انطباق و تغییر به صورت همگرا در سیاست‌ها به کار گرفته نشده‌اند. تجربه بحران‌های شکل گرفته در مقابل نظام سیاسی و در قالب فتنه نشان می‌دهد رویکرد نظام سیاسی تلاش برای بقاء و پایداری در مقابل اثرات این فتنه‌ها بوده است. در حالیکه در ادبیات تاب‌آوری تغییر در سیاست‌های گذشته نوع مواجهه با تهدیدات و انطباق با شرایط محیطی درونی و بیرونی نظام سیاسی است. همچنین در بعد زمینه و محیط، تعلیق تصمیم‌گیری و اقدام نظام سیاسی به رفتارها و شرایط بین‌الملل و منطقه باعث فاصله‌گیری نظام سیاسی از توانایی‌ها و فرصت‌های موجود شده و در واقع ابتکار عمل را از نظام سیاسی سلب می‌نماید. آنچه که نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران را در افق پیش‌رو دچار چالش ساختاری می‌کند، اتخاذ سیاست‌هایی است که تلاش دارد در راستای پایداری نظام سیاسی و کارآمدی آن باشد. اما باید توجه داشت که تدوین سیاست‌ها با معیار پایداری، نظام سیاسی را در وضعیتی انفعالی نسبت به تغییرات محیطی قرار می‌دهد. چرا که پایداری نظام سیاسی دارای درجه وابستگی به تغییرات بوده و نمی‌تواند نسبت به عدم قطعیت‌های محیطی پاسخ ابتکاری ارائه دهد. در واقع تجربه سیاسی جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که دو مؤلفه انطباق و تغییر به صورت همگرا در سیاست‌ها به کار گرفته نشده‌اند. تجربه بحران‌های شکل گرفته در مقابل نظام سیاسی و در قالب فتنه نشان می‌دهد رویکرد نظام سیاسی تلاش برای بقاء و پایداری در مقابل اثرات این فتنه‌ها بوده است.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منفعی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

### Introduction

Political resilience has become a significant concept transitioning from the realms of natural sciences and psychology into political science and policy studies. It emphasizes the ability of a political system to maintain its operational capacity in the face of adverse changes, which is vital in today's fluctuating and often hostile environments (Chandler, 2014). Unlike traditional views that focus on stability or resistance, resilience addresses the adaptability of a system, ensuring it can evolve and thrive amidst uncertainties (Linkov et al., 2014).

The study investigates how the Islamic Republic of Iran's political system can adopt resilience policies to confront both internal and external challenges during the second step of the Islamic Revolution. The theoretical basis for understanding political systems' resilience is rooted in political institutionalism, which emphasizes a system's ability to remain autonomous and legitimate while engaging in adaptive behavior to environmental demands (Hadian & Korouzhdeh, 2012). "Ted Skocpol" argues that a political system's strength lies in its interactions between domestic and international environments, highlighting the importance of policy formulation that ensures adaptability (Dye, 2008). Given the Islamic Republic's unique ideological framework, it rejects linear Western models of development, creating a distinct resilience strategy focused on deepening monotheistic and wisdom-centered policies, as emphasized by Ayatollah Khamenei (Khamenei, 2022).

Resilience, therefore, is not only a reactionary measure but also a proactive and transformative one. According to Birkland (2016), effective governance in a political system requires understanding the interplay between political authority and societal needs, ensuring policies align with environmental shifts (Birkland, 2016). This article builds on the premise that for a political system to be resilient, it must develop mechanisms that enable continuous adaptation and interaction with society, while also being rooted in Islamic governance principles.

### Methods and Materials

This study employs a qualitative, normative approach, utilizing thematic analysis to map out resilience policies at the structural level of Iran's political system. Data collection involved a combination of document analysis and expert interviews. The research follows a descriptive-analytical framework based on the Three-Branch Model, which organizes data into overarching and organizing themes to create a conceptual model of resilience.

The thematic analysis was conducted in three stages: identifying initial codes, grouping them into descriptive themes, and refining them into comprehensive resilience policies. The structural level was the focus, considering the political system as an organization interacting actively with society and the international environment.

### Findings

The analysis revealed that the political system's resilience is strengthened through several mechanisms:

1. **Environmental Monitoring:** Effective policies require a robust understanding of both domestic and external changes. Monitoring environmental fluctuations helps anticipate crises and formulate preemptive strategies.
2. **Institutional Memory Preservation:** Implementing policies that safeguard historical and strategic experiences ensures that the system learns from past events, avoiding repeated vulnerabilities.
3. **Empowerment and Efficiency:** Enhancing soft capabilities and promoting balanced sectoral growth increase the political system's adaptability to external pressures.
4. **Predictive Capacity:** Future-oriented policies, including strategic foresight and scenario planning, improve the system's preparedness for potential challenges.
5. **Protective Adaptation:** Adjusting behaviors and policies in alignment with national interests and understanding threats' dynamics ensures that the system remains cohesive and responsive.

6. **Impact Minimization:** Developing strategies to withstand shocks and continuously learning from past mistakes bolster resilience, reinforcing the system's stability and adaptability.
7. **Leadership and Guidance:** The role of leadership, particularly in the context of Ayatollah Khamenei's teachings, is pivotal. Effective leadership provides strategic direction and maintains national unity.

## Discussion and Conclusion

The findings underscore that resilience in the Islamic Republic's political system is a multifaceted concept requiring both adaptive and proactive approaches. Rather than merely reacting to environmental pressures, the system must continuously evolve by incorporating adaptive learning mechanisms and strategic foresight. The thematic analysis highlighted that political resilience goes beyond maintaining stability; it involves a dynamic process where the system proactively engages with societal and environmental changes.

The study reveals that to achieve long-term resilience, the political system must emphasize principles rooted in Islamic governance, focusing on monotheistic and wisdom-centered policies. This strategic orientation ensures not only the system's survival but also its capacity to influence and shape the international environment positively. Leadership plays a crucial role in navigating uncertainties, and the emphasis on Ayatollah Khamenei's guidance demonstrates the importance of a visionary and cohesive governance model.

In conclusion, political resilience in the Islamic Republic of Iran is intricately tied to the system's ability to adapt to and influence its environment while adhering to its ideological foundations. The conceptual model developed in this study offers a framework for understanding and enhancing political resilience, with implications for policy formulation and governance practices.

## References

- Alam, A. (1997). *Foundations of Political Science*. Ney Publishing.
- Alvani, S. M., & Danayi Fard, H. (2002). *Theory of Order in Chaos and Management*. Eshraghi Publications.
- Annarelli, A., & Nonino, F. (2016). Strategic and Operational Management of Organizational Resilience: Current State of Research and Future Directions. *Omega*, 62. <https://doi.org/10.1016/j.omega.2015.08.004>
- Attarzadeh, B. (2021). *An Inquiry into Public Policy Studies and Political Science*. Mizan Publishing.
- Batabyal, A. A. (1998). The Concept of Resilience: Retrospect and Prospect. *Environment and Development Economics*, 3(2). <https://doi.org/10.1017/S1355770X98230129>
- Berger, P. R., & Luckmann, T. (1966). *The Social Construction of Reality*. Doubleday.
- Birkland, T. A. (2016). *An Introduction to the Policy Process: Theories, Concepts, and Models of Public Policy Making*. Routledge.
- Brand, F. S., & Jax, K. (2007). Focusing the Meaning(s) of Resilience: Resilience as a Descriptive Concept and a Boundary Object. *Ecology and Society*, 12(1). <https://doi.org/10.5751/ES-02029-120123>
- Caralli, R. A., Allen, J. H., Curtis, P. D., White, D. W., & Young, L. R. (2010). *CERT® Resilience Management Model, Version 1.0: Improving Operational Resilience Processes*. Carnegie Mellon University.
- Chaffin, B., & Scown, M. (2018). Social-Ecological Resilience and Geomorphic Systems. *Geomorphology*, 305. <https://doi.org/10.1016/j.geomorph.2017.09.038>
- Chandler, D. (2014). *Resilience: The Governance of Complexity*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315773810>
- Christopher, M., & Rutherford, C. (2004). *Creating a Supply Chain Resilience through Agile Six Sigma*. Critical Eye Publications LTD.
- Coaffee, J., Murakami Wood, D., & Rogers, P. (2008). *The Everyday Resilience of the City: How Cities Respond to Terrorism and Disaster*. Palgrave MacMillan.
- De Florio, V. (2017). Systems, Resilience, and Organization: Analogies and Points of Contact with Hierarchy Theory. *Procedia Computer Science*, 109. <https://doi.org/10.1016/j.procs.2017.05.430>

- De Galizia, A., Simon, C., Weber, P., Iung, B., Duval, C., & Serdet, E. (2016). Markers and Patterns of Organizational Resilience for Risk Analysis. *IFAC Papers OnLine*, 49(19). <https://doi.org/10.1016/j.ifacol.2016.10.609>
- Duffield, M. (2013). How Did We Become Unprepared? Emergency and Resilience in an Uncertain World. *British Academy Review*, 21. <https://doi.org/10.35648/20.500.12413/11781/ii102>
- Dye, T. (2008). Models of Public Policy Analysis. *Strategic Studies Quarterly*, 11(1).
- Eskandari Nia, N. (2020). Choosing the Appropriate Approach for Public Policy Making in Various Environments. *Strategic Management Research*, 23(76).
- Firahi, D. (2012). *Political System and Government in Islam*. SAMT.
- Hadian, N., & Korouzhdeh, M. (2012). Formation of the State as an Organization in the International Environment: A New Perspective on the State. *Foreign Relations Quarterly*, 4(3).
- Johansson, J. E. (2021). *Strategy Formation and Policy Making in Government*. Simorgh Zarrin Publishing.
- Jonathan, J. (2013). Resilience as Embedded Neoliberalism: A Governmentality Approach. *Resilience, International Policies, Practices and Discourses*, 1(1). <https://doi.org/10.1080/21693293.2013.765741>
- Jones, C. O. (1970). *An Introduction to the Study of Public Policy*. Wadsworth Publishing.
- Kantur, D., & Eri-Say, A. (2012). Organizational Resilience: A Conceptual Integrative Framework. *Journal of Management & Organization*, 18(6). <https://doi.org/10.5172/jmo.2012.18.6.762>
- Khamenei, S. A. (2006, 2006/06/04). *Speech on the 17th Anniversary of the Demise of Imam Khomeini*. <https://farsi.khamenei.ir>
- Khamenei, S. A. (2022, 2022/09/03). *Address to Participants of the 7th Meeting of the Ahlul Bayt World Assembly*. <https://farsi.khamenei.ir>
- Lengnick-Hall, C. A. E., & Beck, T. M. L. (2011). Developing a Capacity for Organizational Resilience Through Strategic Human Resource Management. *Human Resource Management Review*, 21(3). <https://doi.org/10.1016/j.hrmr.2010.07.001>
- Linkov, I., Bridges, T., Creutzig, F., & Decker, J. (2014). Changing the Resilience Paradigm. *Nature Climate Change*, 4(6). <https://doi.org/10.1038/nclimate2227>
- Malek Afzali, M. (2020). *The Principle of System Preservation*. Islamic Research Institute for Culture and Thought Publications.
- Mallak, L. A. (1999). *Toward A Theory of Organizational Resilience*. Portland International Conference on Management of Engineering and Technology, Portland.
- McKeown, A., & Glenn, J. (2018). The Rise of Resilience After the Financial Crises: A Case of Neoliberalism Rebooted? *Review of International Studies*, 44(2). <https://doi.org/10.1017/S0260210517000493>
- McLain, R., & Lee, R. G. (1996). Adaptive Management: Promises and Pitfalls. *Environment Management*. <https://doi.org/10.1007/BF01474647>
- Parsons, W. (2021). *Foundations of Public Policy and Policy Analysis*. Strategic Studies Research Institute.
- Pour Ezzat, A. A., & Hashemian, S. M. H. (2007). The Path Metaphor: Sadraean Epistemology and Ontological Explanation of Organization. *Hekmat Journal*, 5(2).
- Power Jr, J. B. (2017). *Principles and Framework for Public Administration and Policy Making*. Safar Publishing.
- Rumsfeld, D. (2002/02/12). *Quoted at a Pentagon Press Briefing*.
- Sabatier, P. (1991). Toward Better Theories of The Policy Process. *Political Science and Politics*, 24(2). <https://doi.org/10.2307/419923>
- Sharifzadeh, F., & Nagavi Hosseini, S. A. (2020). Exploring the Evolution of Public Policy Schools: From Traditional Schools to the Chaos Theory School. *Politics Quarterly, Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 50(3).
- Tison, W., & Walker, W. (2020). *Public Policy Analysis: New Advances*. Khatam al-Anbiya Air Defense University Press.
- U. S. Department for Homeland Security. (2007). *The National Strategy for Homeland Security*. [http://www.dhs.gov/xabout/history/gc\\_1193938363680](http://www.dhs.gov/xabout/history/gc_1193938363680)
- Vahid, M. (2016). *Public Policy Making*. Mizan Publishing.
- Weick, K. E., & Sutcliffe, K. M. (2001). *Managing the Unexpected: Assuring High Performance in an Age of Complexity*. Jossey-Bass Inc Pub.